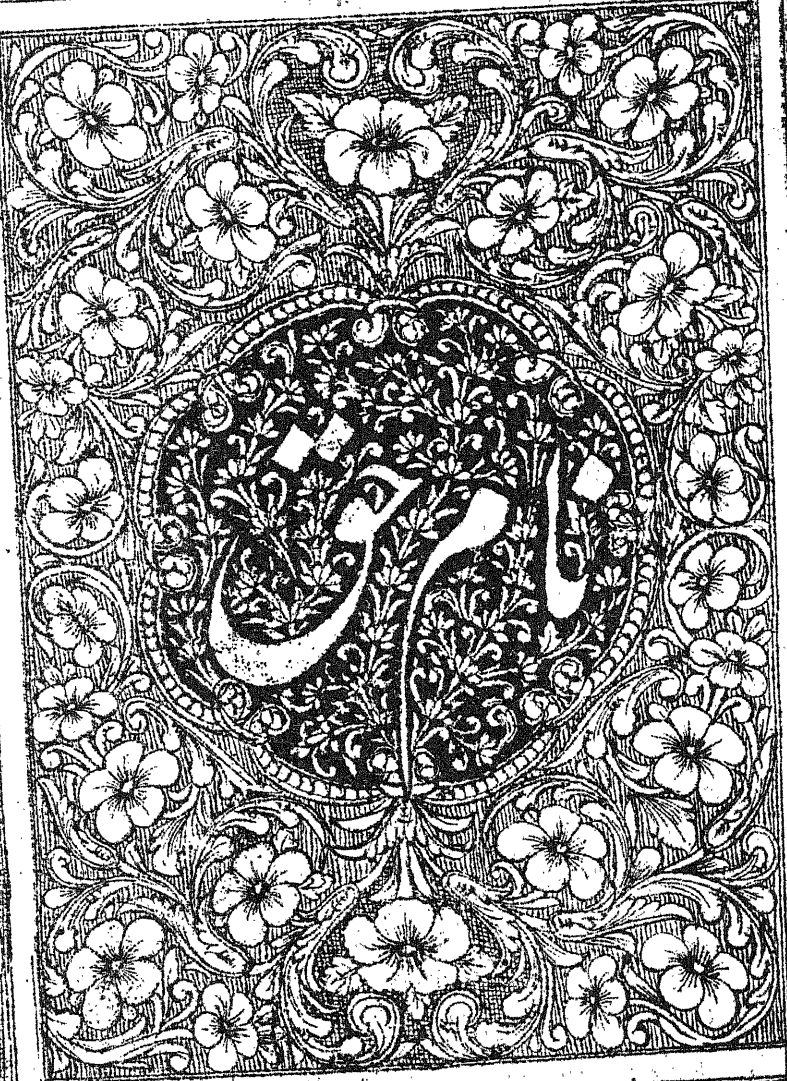


東京外国語大学
10.3.30
図書館蔵書

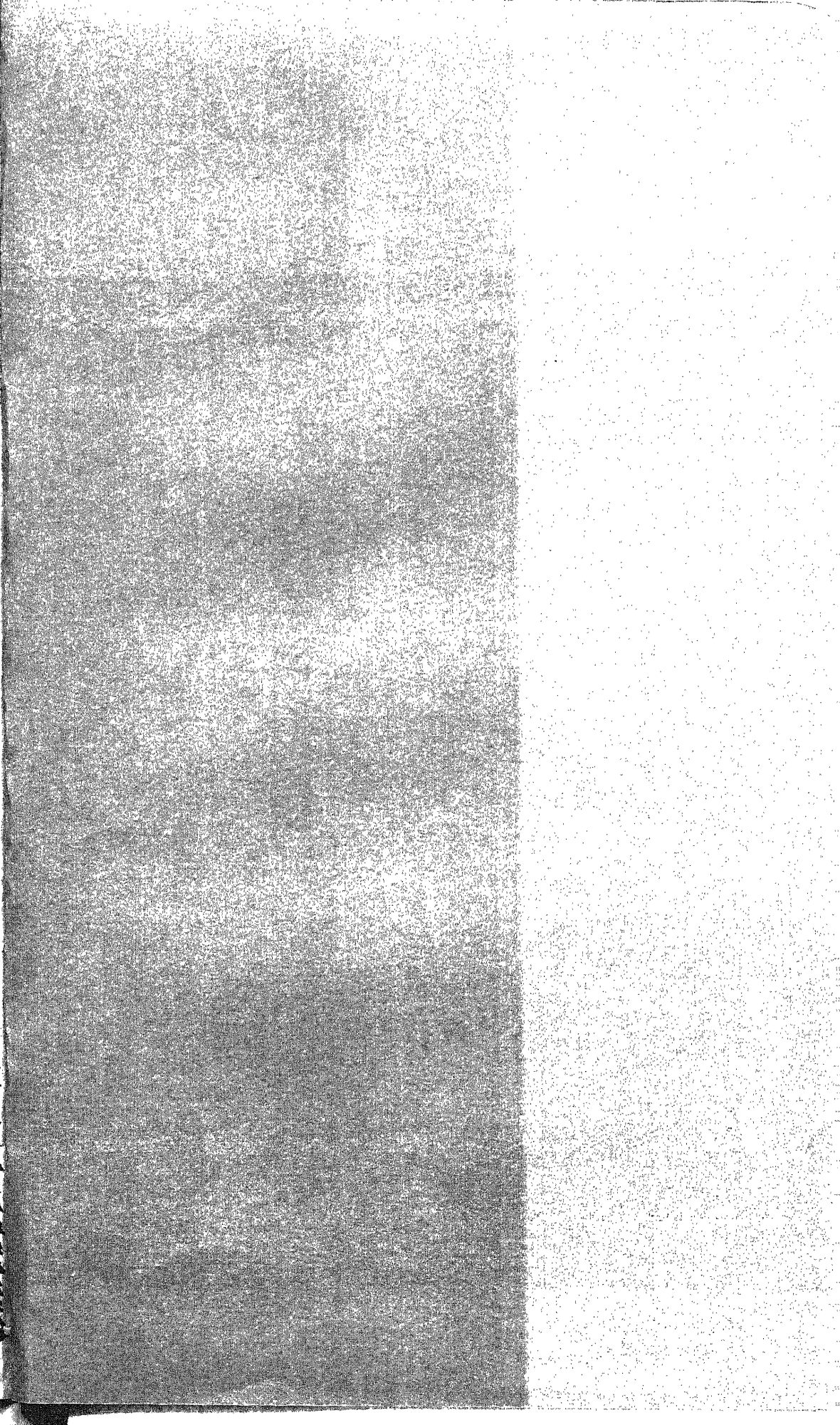
76769

بصنای و مکافضت اسما
بجوان عین نون و نون



در مطبعی منشوری کتب و مطبع
کتابخانه کتب مطبوعه

上海外灘圖書館



بنجامین بن موسی کاتب...
 نام بنجامین بن موسی کاتب
 در روز شنبه...
 استسحاق ابن یوسف...

من بقدر خیال کوشیدم
 نه کنی عیب گر تو بخواستی
 اسپ تازی اگر چه بتازد
 صد و هفتاد بیت و ده باب است
 موجود و پسندیرا فاد است
 این ترا یادگار از شرف است
 از بخار است مولد و نبش
 یا الی بدیه تو کوفت...

بنجامین بن موسی کاتب
 در روز شنبه...
 استسحاق ابن یوسف...

باب اول در بیان وضو این مشتمل است بر چهار فصل
 فصل اول در شرح ایض وضو
 در وضو نسبت جز و فصله چهار
 شستن رو دست مسح سر
 راجع مسح فم بر بن باید دید
 لازمست همچو قرض باید دید

فصل دوم در دستهای وضو
 سنت آب دست ده باشد
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال
 شستن دست پیش سوال

فصل سوم در سجدهات وضو
 هر که باده اعراس و سیر بود
 آب در بینی دو با بن کردن
 بر کمر او سینه چیر بود
 بر همه عفت خود روان کردن
 در سجدهات وضو

بنجامین بن موسی کاتب
 در روز شنبه...
 استسحاق ابن یوسف...

بنجامین بن موسی کاتب
 در روز شنبه...
 استسحاق ابن یوسف...

در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست
 که در وضو شستن دستهاست

فصل چهارم در ذکر و باات وضو
 آب اندر دهان دور بین
 آب بر روی سخت تر کردن
 خوی در آب هشتن از عم
 در کوبینه راست افتاشه
 هر که این ششش کرا بهت داند
 در کوبینه راست افتاشه
 هر که این ششش کرا بهت داند

فصل پنجم در بیان شستن دستهاست
 آنچه از پیش و پس عیان کردن
 اگر وضو هم بجایه خویش بود
 که کسی بر او با ن می باشد
 خواب تکیه زده و شوکت
 قمقه در نماز و بیوه
 هر که باشد با شترت فاضل
 در نماز و بیوه
 هر که باشد با شترت فاضل

بنجامین بن موسی کاتب
 در روز شنبه...
 استسحاق ابن یوسف...

بیشتر از من بیان مذموب او
 ضبط کن این دو شش و نیت کون
 اما نماز تو با نواگرد
 آنچه بیرون کون ترا فرضت
 نیت است و طهارت و تکبیر
 غم اسلام بایست خوردن
 شش دیگر در اندرون نماز
 آن قیام قرأت است در کوع
 پس بیرون آمدن و نیت شناس
 از نماز ای مدار عقل و قیاس

| | |
|---------------------------|----------------------------|
| بیشتر از من بیان مذموب او | ضبط کن این دو شش و نیت کون |
| اما نماز تو با نواگرد | آنچه بیرون کون ترا فرضت |
| نیت است و طهارت و تکبیر | غم اسلام بایست خوردن |
| شش دیگر در اندرون نماز | آن قیام قرأت است در کوع |
| پس بیرون آمدن و نیت شناس | از نماز ای مدار عقل و قیاس |

فصل دوم در واجبات نماز

| | |
|-----------------------------|----------------------------|
| واجبات نماز با هفت است | زائمه از مصطفی چنین رفتت |
| فاتیحه ششم سوره قرآن | در ردوی اول از فریضه بخوان |
| لیکه اندر تطوع و سنت | سوره با فاتحه مکن سنت |
| کافرنش چو اولین باشد | سوره با فاتحه قرین باشد |
| در تکبیر می بلند باید خواند | واچنین است سنت بایده خواند |
| قعدۀ اول از وجوبات است | باز در آخرین تحمات است |
| نیز در وقت قنوت عیان | زائمه کسب عیدت با پند |

فصل سوم در بیان سجده سهو

| | |
|-------------------------|------------------------|
| سجده سهو با تلاوت میسب | واجب آید بالف ساق اهرم |
| واندا آنکس که خسته وارد | داندرین راه گشته وارد |

باید خواند و اگر در سجده سهو
 آن در وقت نماز واجب است
 رام از نمازهای واجب است
 بلند خواندن واجب است
 آن در وقت نماز واجب است
 بلند خواندن واجب است

سجده سهو را بیان کردن
 اگر کسی فرض را کند تاخیر
 سجده سهو را چو سازکت
 ای مصطفی هر دو دست سلام
 همچنین است مذموب نعمان
 از یک سو داده و سجده بیست
 هر امانی که مستدی باشد
 مقتدی را که سهوا قنات دست
 سهوا در امام بر کعبه
 طاعت او خدا به پذیرد

| | |
|--------------------------|---------------------------|
| سجده سهو را بیان کردن | اگر کسی فرض را کند تاخیر |
| سجده سهو را چو سازکت | ای مصطفی هر دو دست سلام |
| این چنین است مذموب نعمان | از یک سو داده و سجده بیست |
| هر امانی که مستدی باشد | مقتدی را که سهوا قنات دست |
| سهوا در امام بر کعبه | طاعت او خدا به پذیرد |

فصل چهارم در بیان سنتهای نماز

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| سنت اندر نماز آمد بیهیت | ده اذان قوی است و فعلیت |
| آنچه قولیت است استفتاح | بعد اذان در اعوذ گشت فلاح |
| از آن پس تسبیح است و آیت است | سمع الله گفتن از دین است |
| شمع انتر امام بر دوازده | مقتدی رتبا لکب آغاز |
| باز تسبیح در رکوع و سجود | نیز تکبیر و بر بنویس و صعود |
| فاتحه در ردوی اخیر از فرض | گیر سنت ولی بگیر از فرض |
| پس بیرون آمدن به لفظ سلام | زودمانت است در اسلام |

سنت های فعلی نماز

| | |
|-------------------------|----------------------------|
| سنت فعل در نماز ده است | یا و گیرش اگر ترا سره است |
| است طرح الیدین تا اذنین | وانکه بر جای سجده وارد عین |
| بعد اذان دست راست بر چپ | بهمی زیر نات به سر ادب |

نکته ای که در این کتاب
 از آن است که در نماز
 دست نبرد و سبب را در سر است
 باقی را بر ساعد دست چپ
 است نبرد و سبب را در سر است
 باقی را بر ساعد دست چپ

بیشتر از من بیان مذموب او
 ضبط کن این دو شش و نیت کون
 اما نماز تو با نواگرد
 آنچه بیرون کون ترا فرضت
 نیت است و طهارت و تکبیر
 غم اسلام بایست خوردن
 شش دیگر در اندرون نماز
 آن قیام قرأت است در کوع
 پس بیرون آمدن و نیت شناس
 از نماز ای مدار عقل و قیاس

باید از پیش از روز دوازدهم ماه رمضان...

| | |
|---|---|
| میزمان را به حمله احوال دست بر گنجه در رکوع نیت حجده آرید در میان رکعت بیز بر پاشی چپ نیت کنی باز گردان توردی وقت سلام گر کسی بر تو شبهت اندازد اے دلت پر ز نور و حکمت بعد از آن هر چه هست آدبست | دست بر سینه به بود همه حال نیت هموار دار و کوز سنه شکر از آن دور دست از دست مهر انگشت سوخته قبله کنی بیمین و یسار خوشی تمام مستحب را دست انبارد مستحب دور نیت و ز سنست یا دیگرش که نسخ کیا است |
| باب هشتم در نمازهای فرایض شبانه روزی | پنجاه رکعت بود اگر آموزی چهار در وقت عصر تعیین است زین نکوتر نمیتوان گفتن بر همه واجب است بجز از نیت |
| باب نهم در بیان سنت های موکده شبانه روزی | سنت است دو اذنه رکعت دو پس از شام دو به نیت انچه هست از موکدات نیت خواجده امیر قاضی است |
| باب دهم در بیان روزه ماه رمضان المبارک | روزه جز تمیز نفس نمیتوانی نوز همه خوردنی نفور شدن |

نام نهم
واجب افته اند و در نیت
روایات زین گفته اند
و عمل نیت و فرایض است
و در نیت روایات است
گفته اند در نیت روایات
سنت است در نیت روایات
غایب است در نیت روایات
در نیت عبادت است از
و در نیت عبادت است از

باید از پیش از روز دوازدهم ماه رمضان...

| | |
|---|---|
| فرض دان جمله روزه را نیت نیت روزه گرا دادا بود لیک مروتی و نوافل را همچنین که غسل طلب نه کنی نگس و پشه در گلو چو پرید گر کسی رگ زد و حجامت کرد نک و سر که کزد همان بخشید روزه باقی بود و لے مکروه ور کنی مسح روغن و سر سه نمان که از مهر طفل نیجین گر ضرورت بود رو با باشد به فراموشی ار کنی و خوری روزه تست همچنان باستی در بقصد است خوردن و کفارت گر خوری انچه زو غن است ان بود همچو سنگ و کلوخ و آهن روی در تطوع اگر شروع کنی ناتوانی اداش باید کرد | تا بیانی روزه اینست در قضا جز به شب روا نبود تا پیش از زوال است روزه نیت روزه جسته شب کنی نیت نقصان روزه تو بدیم نیت نفاذ روزه و راملامت کرد روزه باقیست که فرغ نشید از کراهت مباشر بی اندوه بر سر و چشم نیت جرمه علما اندین چه فرمایند بے ضرورت چنین خطا باشد هست هر دو ترا هستی و می گر تو سیری در گوشتخانه لازم آید قضا و کفارت بر تو لازم بخز قضا نه بود بنود زین قبل گل سر شوک پس رجوع از برای جوع کنی زندان همان قضاش باید کرد |
| باب دهم در بیان کفاره روزه رمضان | گر کسی قصد کرد در خوردن نیت یک مسکین طعام یا پدید یا یک مسکین کفاره روزه |

نیت روزه جسته شب کنی
نیت نقصان روزه تو بدیم
نیت نفاذ روزه و راملامت کرد
روزه باقیست که فرغ نشید
از کراهت مباشر بی اندوه
بر سر و چشم نیت جرمه
علما اندین چه فرمایند
بے ضرورت چنین خطا باشد
هست هر دو ترا هستی و می
گر تو سیری در گوشتخانه
لازم آید قضا و کفارت
بر تو لازم بخز قضا نه بود
بنود زین قبل گل سر شوک
پس رجوع از برای جوع کنی
زندان همان قضاش باید کرد
نیت روزه جسته شب کنی
نیت نقصان روزه تو بدیم
نیت نفاذ روزه و راملامت کرد
روزه باقیست که فرغ نشید
از کراهت مباشر بی اندوه
بر سر و چشم نیت جرمه
علما اندین چه فرمایند
بے ضرورت چنین خطا باشد
هست هر دو ترا هستی و می
گر تو سیری در گوشتخانه
لازم آید قضا و کفارت
بر تو لازم بخز قضا نه بود
بنود زین قبل گل سر شوک
پس رجوع از برای جوع کنی
زندان همان قضاش باید کرد

نیت روزه جسته شب کنی
نیت نقصان روزه تو بدیم
نیت نفاذ روزه و راملامت کرد
روزه باقیست که فرغ نشید
از کراهت مباشر بی اندوه
بر سر و چشم نیت جرمه
علما اندین چه فرمایند
بے ضرورت چنین خطا باشد
هست هر دو ترا هستی و می
گر تو سیری در گوشتخانه
لازم آید قضا و کفارت
بر تو لازم بخز قضا نه بود
بنود زین قبل گل سر شوک
پس رجوع از برای جوع کنی
زندان همان قضاش باید کرد

یاد و سه روزه را پس از دعا
 اما شوی از حیات بر خور دار
 خاتمه

از برای تو این قدر گفتم
 هر که این را به صدق بخواند
 نو و سه بر وقت و شش سال
 نیمی از جادوی الاول
 رحمت حق تبار خواننده
 باز گوینده و رساننده

هر زمی زاکم فتود آیام
 غسل باید بهر نماز ایام

اول تا چهارم هر ماه بود یک ماه از شمس
 عادت داشته شد از تارخ
 اول تا چهارم هر ماه بود یک ماه از شمس
 عادت داشته شد از تارخ
 اول تا چهارم هر ماه بود یک ماه از شمس
 عادت داشته شد از تارخ
 اول تا چهارم هر ماه بود یک ماه از شمس
 عادت داشته شد از تارخ
 اول تا چهارم هر ماه بود یک ماه از شمس
 عادت داشته شد از تارخ

خاتمه لطیف
 الحمد لله والمنه که فتوحا مومنان صلوات علیهم
 امام ابی حنیفه علیه السلام و النجیه موسوم به نام حق از تصنیف مولانا
 شرف الدین بنجادی رحمه الله علیه پیش قول کشور صاحب واقع
 شهر کابنور سرستی سالی القاب عالیجناب نشی بر اک نراین صاحب بھار گو
 دام قبال مالک مطبع یاہ ستمبر ۱۳۰۳ء بار ششم مطبوع گردید فقط

مطبع و ناشران
 در تمام شهرها
 موجود است

کتابه فی کتب
 در تمام شهرها
 موجود است
 در تمام شهرها
 موجود است

نام حق
 در تمام شهرها
 موجود است
 در تمام شهرها
 موجود است

